کودکان خیابانی

گروه پژوهشی رفاه اجتماعی وابسته به پژوهشکده دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تصمیم به برگزاری شماری میزگرد علمی در زمینه های مختلف رفاه اجتماعی و آسیب های اجتماعی دارد . این میزگردها در حوزه‌های اقتصاد ، جامعه شناسی ، روانشناسی ، حقوق و جرم شناسی و رشته‌های مشابه برقرار خواهد شد . دومین میزگرد از این مجموعه ، با عنوان " کودکان خیابانی " در بهمن ماه ۱۳۸۰ برگزار شد. اعضای اصلی شرکت کننده در این میزگرد عبارت بودند از :

دکتر شهلا اعزازی (جامعه شناس ، عضو هیات علمی دانشگاه علامه‌طباطبائی)

آقای محسن حافظی فر (معاون مدیر کل دفتر اجتماعی وزارت کشور)

دکتر هادی معتمدی (روانپزشک ، مدیر کل دفتر آسیب‌های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور)

دکتر مریم شریفیان ثانی (دکتر در علوم اجتماعی ، عضو هیات علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی)

تعدادی از استادان ، پژوهشگران و صاحب نظران مسائل اجتماعی نیز که دعوت گروه پژوهشی رفاه اجتماعی را پذیرفته بودند ، با مشارکت فعال خود در بحث ، ابعاد دیگری از این پدیده اجتماعی را برگشودند و در نتیجه بر غنای دستاوردهای این نشست علمی افزودند. از مشارکت تمامی این عزیزان سپاسگزاریم.

خانم دکتر شریفیان : در بحث کودکان خیابانی اولین سوالی که مطرح می شود این است که ، این گروه چه کسانی هستند و چه مشخصاتی دارند . مطالعهٔ منابع مختلف در سطح بین المللی ، چند نکته مشترک را در مورد این کودکان مطرح می کند . یکی این که پدیده کودکان خیابانی در بیشتر کشورهای

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

جهان و شاید بتوان گفت در تمام کشورهای جهان ، به عنوان یک مشکل اجتماعی شناخته می شود و هنوز تعریف واحدی از کودکان خیابانی وجود ندارد . نتایج تحقیقات نشان می دهد که با توجه به ارزش ها ، فرهنگ و شرایط مختلف کشورها، این تعاریف از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. نکته ی دیگر اینکه ضرورت سیاست گذاری و برنامه ریزی برای رویارویی با این مشکل اجتماعی ، که خود می تواند منشاء مشکلات دیگر اجتماعی باشد، احساس شده است ، حتی در سطح بین المللی، با برگزاری کنفرانس های بین المللی که یک مورد مهم آن در سال ۱۹۹٦ میلادی در آمستردام هلند و مورد دیگر در دفتر مرکزی بانک جهانی در سال ۲۰۰۰ میلادی بوده ، نشان می‌دهد که نیاز به یک اقدام جهانی و در سطح ملی ،یک ضرورت است .

من تعریفی خلاصه از دسته بندی مفاهیمی که برای کودکان خیابانی شناخته شده است ، خدمتتان عرض می کنم و از استادان محترم خواهش خواهم کرد که در همین زمینه بحث را ادامه دهند . چند واژهٔ مختلف در زمینه کودکان خیابانی در ادبیات این موضوع و در تحقیقاتی که در سطح بین المللی در کشورهای مختلف انجام شده ، وجود دارد که دسته بندی آنها بدین گونه است : گروه اول ، کودکان خیابانی (Street children) که در خیابان زندگی می کنند و بدون حمایت خانواده یا بستگان خود ، سعی دارند از خودشان مراقبت کنند . این کودکان آسیب های دشوار فرهنگی و اجتماعی دیده اند و بنابراین ، نیازمند این هستند که مورد حمایت خاص قرار بگیرند و معمولاً هم به کودکان زیر ۱۸ سال گفته می شود ـ در بعضی از کشورها ، کودکان زیر ۱۵ سال را در این گروه قرار می دهند . پس دستهٔ اول قربانیان شرایط بسیار دشوار زندگی ، مانند بهره‌کشی ، تجاوز جنسی و غیره هستند که نیاز به حمایت ویژه دارند . گروه دوم کودکانی که در خیابان هستند (Children on streets) ، این کودکان که به حمایت و بقای خانوادهٔ خود از لحاظ اقتصادی کمک می کنند ، در خیابان‌های شهرهای بزرگ زندگی می کنند ، در حالی که پیوند شان را با

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

خانواده در حد این که شبها به خانه برگردند و شب را در آنجا بگذرانند ، حفظ کرده اند و این رابطه به کل قطع نشـــده است . گروه سوم بچه های خیابان هستند (Children of streets) این کودکان خانه راکلاً ترک کرده انـد . روز و شب در خیابان زندگی می کنند و اصلاً ارتباطی با محیط خانواده ندارنـد و یـا ارتباطشان خیلی محدود است و این ارتباط ، به مفهومی که برای حمایت آن هـا مورد انتظار است ، وجود ندارد و اینها برای بقای خودشان کار می کنند . گـروه چهارم و آخر، کودکـان در معـرض خطـر هستند (Children at risk) ایـن تعریف گروه عظیمی از جوانان را که در نتیجهٔ نحوهٔ زندگیشان در معرض خطـر هستند ، در بر می گیرد . من بحث را بیش از این ادامه نمی دهـم ، زیـرا هـدف این است که بتوانیم از نظر استادانی که در این میزگرد حضـور دارنـد ، اسـتفاده کنیم ، فقط اجازه می خواهم که هدفمان را از این نشست خدمتتان عرض کنم :

حساس سازی و افزایش آگاهی جامعه نسـبت بـه پدیـده کودکـان خیابـانی اســـت که آمار آن روز به روز در کشورهای مختلف جـهان در حـال افزایـش می باشد ـ که در فرصت مناسب به آمارهایی کـه بدانـها دسـت پیـدا کـرده ام ، اشاره خواهم کرد ـ واین که ببینیم در سایر کشورها چـه مـی گـذرد و تعریـف کودکان خیابانی از دیدگاه صاحب نظران و مسئولان اجرائی مـا و کسـانی کـه از نزدیک دستی بر این کار دارند، چیست و علی رغم اینکه هـر روزه ایـن واژه را در رسانه های مختلف می شنویم ، واقعاً می‌خواهیم برای این گـروه چـه کـاری انجام دهیم و با این آسیب و مشکل اجتماعی که بر اساس تحقیقات انجام شـده سر منشاء بسیاری از آسیب های دیگر است ، چگونه بر خورد نمائیم در اینجـا ، سخن را با نقل قولی از یک گزارش تحقیقی که مـی گویـد " کودکـان خیابـانی فشار سنج جهان امروز ما هســـتند " به پایـان مـی بـرم و ادامـه بحـث را بـه اساتید محترم می سپارم .

خانم دکتر اعزازی : هنگامی که از من برای شرکت در ایـن جلسـه دعـوت شد ، ضمنی عرض کردم راجع به خود کودکان خیابانی کـاری نکـرده ام ، ولـی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

این پدیده ای است که در حوزهٔ جامعه شناسی می گنجد و می تـوان اطلاعـاتی راجع به آن جمع آوری کرد. متأسـفانه هنگامی که خواسـتم اطلاعـاتی جمـع کنم و ببینیم دیگران چه کرده اند که بتوانیـم روی آن تجربـه و تحلیـل بکنیـم ، هیچ چیز پیدا نکردم و یا در دسترس نبود . البته کـارژورنالیسـتی انجـام شـده و روزنامه ها و مجلات ، بادید خاص خودشان به این مسئله پرداخته اند، امـا یـک کاراساسی انجام نشده است . حتی در کتاب هـایی کـه راجـع بـه جنبـش هـای خیابانی و تهیدستان بود ، کلمه ای راجع به این کودکان صحبـت نشـده اسـت . علی رغم این که کودکان خیابان جزئی از آن ها هستند ، بـه هـر حـال در چنـد کتاب خارجی که مطالعه کردم آنها را طبقه بندی کـرده بـود ، بـه ایـن کـه ایـن کودکان انواع مختلف دارند و همه آن ها مثل یکدیگر نیستند، ولی اگر بـه آنچـه در تهران در حال روی دادن است نگاه کنیم ، در می یابیم که اینها تکـدی گـری و دسـت فروشـی می کنند ، مواد مخدر می فروشند و به طور کلـی ولگـردی می کنند ، حال دیگر وارد بحث بهره کشی جنسـی نمی شویم که حتماً وجود دارد. ضمناً موضوعی که در بعضی از کتاب ها از آن اسـتفاده مـی شـود و نمی دانم تا چه اندازه برای ما کاربرد دارد و در تعریف دکتر شـریفیان هـم مـن ندیدم، استفاده از کودکان در جنگ است . و این مسئله هم خود بـه نوعـی زیـر سوال است، زیرا که چرا باید از کودک زیر ١٤ سال در جنگ استفاده کرد.

من خواستم یک تحلیل کلان جامعه شناسی در مورد کودکان خیابـانی انجـام بدهم و بدانم این ها چه هستند و آن وقـت متوجـه شـدم کـه احتمـالاً مـا روی مفهوم نابرابری می چرخیم و این مفهوم نابرابری هنوز در مورد کودکان برای مـا جانیفتاده است . چرا که اصولاً برابری افـراد بـا یکدیگـر در جامعـه بـه معنـای اسـتفاده از مزایای اجتماعی ، پدیده ای است که ۱۵۰ تا ۲۰۰ سـال بیشـتر از عمرش نگذشته است و با دمکراسی و آزادی شـروع شد و همیـن پدیـده ، در عمر خودش به تدریج پخته تر شده و معنی عمیق تری پیـدا کـرده اسـت . اگـر اوایل ، رسیدن به برابری اجتماعی فقط در ابعاد اقتصادی مد نظر بود و دولت ها

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

تمایل به این داشتند که به هر طریق به افراد امکاناتی بدهند تا بتوانند در نهایت، از فقر مطلقی که دارند و با آن دست به گریبان هستند ، خارج شوند و از امکانات جامعه استفاده کنند ، مثلاً یکی از نمونه هایش این است که گمان بر این بود که در اثر وجود آموزش و پرورش عمومی و رایگان ، افراد می توانند تخصص هایی پیدا کنند و در زندگی پیشرفت کنند و یا مدل دیگر آن ، در دولتهای رفاهی دیده می شود و به این صورت است که سعی می کنند برای کسی که از لحاظ مادی توانائی ندارد ، امکاناتی فراهم آورند تا که به بهداشت و مسائل دیگر اجتماعی دسترسی پیدا کند که البته امروزه این دولت رفاهی گسترده تر شده و علاوه بر بهداشت ، اوقات فراغت و ورزش را نیز در بر می گیرد ، یعنی انسان نباید به علت فقر از این امکانات محروم باشد . بدین ترتیب در بعد اقتصادی یک سری کارهایی شده است .

در سال های اخیر می گویند نا برابری تنها منشاء اقتصادی ندارد، بلکه منشاء های دیگری هم دارد . یعنی افراد به دلیل قرار گرفتن در وضعیت خاصی که خارج از توانشان است ، مثل قومیت ، نژاد ، مذهب ، جنس و سن ، کمتر مورد توجه جامعه قرار می گیرند و جامعه مسائل آنها را جدی تلقی نمی کند .

همه افراد بشر از مقاطع سنی مختلفی عبور می کنند و در مقاطعی ، احتیاجات و نیازهای آن ها مورد توجه قرار نمی گیرد . اگر از منظر نابرابری سنی نگاه کنیم ، یکی کودکی و دیگری سالمندی (کهنسالی) است که در این دو مقطع ، انسان عملاً از مزایای اجتماعی استفاده نمی کند. دلایل زیادی برای به وجود آمدن نابرابری سنی وجود دارد . که ما در این مقطع ، تنها کودکی را بررسی می کنیم . کودکان هنوز به حوزه تولید وارد نشده اند و کهنسالان نیز از آن خارج شده اند و آنانی که در تولید مادی و معنوی جامعه (بزرگسالان و میانسالان) دخالت دارند، نیازهای این افراد را غیر از آن چیزی که هست در نظر می گیرند و به آن توجه لازم را نمی کنند . نظریه ای که در جوامع امروزی مطرح می شود این است که ، کسانی که به نوعی تحت فشار نا برابری قرار

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

دارند ، باید تجمع کرده و خواست های خود را طلب کنند . حال اگر بپذیریم که سالمندان می توانند در مجامعی گردهم آیند و درخواستهایشان را از افراد دخیل در تولید، طلب کنند، در مورد کودکان باید بدانیم که آنها قادر نیستند در NGO جمع شوند و درخواست های خود را مطرح کنند ، بلکه کسان دیگری باید این کار را انجام بدهند . اما مسئلهِ مهم این است که اگر به کودکان امتیازاتی داده شود ، در واقع، باید از بزرگسالانی که امکانات جامعه را در دسترس دارند، یک سری امتیازات کم شود و این تقابل امتیاز گرفتن و امتیاز دادن ، رسیدگی به وضع کودکان را مشکل می کند ، چون فرد بزرگسال که در روند و پروسهٔ تولید است ، حاضر نیست ازامتیازاتش بدون چانه زنی هایی که معمولاً بین کارگر و کارفرما پیش می آید ، صرف نظر کند . بنابراین تا زمانی که مسئله از بین رفتن نا برابری سنی برای مسئولان حل نشود و مجامعی برای حفظ حقوق کودکان به وجود نیاید ، نمی توان کار زیادی کرد .

اما این نا برابری چگونه پابرجا می ماند ، نکته ای است که بنده می خواهم به آن اشاره کنم . این نابرابری با وجود تمام تکریم ، احترام و شعارهایی که مطرح می شود ، عملاً ریشه در تفکری دارد که بر جامعه ی ما نیز حاکم است و آن این است که کودکان و نوجوانان عملاً از حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی برابر با بزرگسالان برخوردار نیستند و علی رغم این که در قانون خیلی اوقات لفظ همه افراد ملت و هر کسی را می بینیم ، نمی دانم چه قدر در مورد کودکان صدق می کند. نگاه من نیز الزاماً متوجه قانون نیست ، بلکه من اصولاً برخورد اجتماعی را می بینم .

در محیط خانه بستگی به ویژگی خانواده ، با کودکان بدترین رفتارها می شود به این معنا که برای کودک به عنوان یک انسان حقوق برابر در نظر گرفته نمی شود . در مدرسه ، ما می بینیم عملاً الگوی خشونت نسبت به کودکان ، که الزاماً تنبیه بدنی نیست که در بسیاری موارد نیز هست و تحقیرهای روانی ، پیاده می شود . در عین حال، احترام و ارزشی که به کودکان گذاشته

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

می شود ، بسیار کمتر از کسان دیگر است . بنابراین ایـن الگـو وجـود دارد . بـه علاوه ، این گونه تبلیغ می شود که کودکان بـاید از بـزرگسـالان اطـاعت کننـد. اطاعت و فرمان برداری از بزرگسالان در مدل های مختلف تبلیغ می شود ، البتـه شاید بیانشان زیباتر از لغت خشن اطاعت است که مـن بـه کـار مـی بـرم ، امـا بزرگسالان معمولاً حق دارند و پدر و مادر ، کسانی هستند که می دانند راه چاره چیست . معلم همه چیز را می داند . با این ویژگی که ما این مسئله را به کـرات در تلویزیون ، روزنامه ها و مراکز مختلف می بینیم و عقدیدهٔ عمومی نیز بر ایـن است و با این کار خلاقیت و ابتکار عملاً از کودک گرفته می شـود و می گوییـم که شما باید هر چه بزرگتر ها انجام می دهند و یـا درخواسـت می‌کننـد، انجـام دهید . این ایدئولوژی که بر پایه اطاعت و کم اهمیت دادن بـه بچـه هاسـت، بـا مسائل دیگری که در جامعه داریـم ترکیـب مـی شـود . مـا مـی دانیـم کـه فقـر اقتصادی داریم ، فقر فرهنگی داریم و هر دو با هم ، روی خـانواده هـا مقـداری تاثیر می گذارند و خانواده ها مشکلات زیادی دارند ، اما به جای این که دولـت دریابد مشکل واقعی خـانواده هـا چیسـت و چگونـه بـه وجـود آمـده اسـت و دگرگونی در خانواده ها چگونه است و آن وقت حمایتهایش را از طریق همسان کردن خودش با دگرگونی خانواده ارائه دهد ، دائماً روی مدل خانوادهٔ هسـته ای پدر سالار که عمر آن هم خیلی زیاد نیست ، تاکید می کند و می‌خواهد آن را پـا بر جا نگه دارد ، بدون توجه به الگوهای جدیدی که محتاج حمایت هستند ، که البته آن خانواده بـا شـرایط امـروز ـ شـرایطی کـه در حـال دگـرگونـی اسـت ـ سازگاری ندارد ، در نتیجـه ، مـا بـا خـانواده ای مواجـه مـی شـویم کـه در آن خشونت و درخواست های بیش از حد از فرزنـدان وجـود دارد و فرزنـد بـاید اطاعت کند.

من کارهایی روی برنامه های کودک تلویزیون کردم وبرای من بسیار جـالب بود که ما ، در فیلم های برنامه های کودکـان ، خیلـی اوقـات بـا پدیـدهٔ مـادران تنهایی که در سنین ۳۰ تا ۳۵ سال هستند روبه رو می شویم که شوهرشان فـوت

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

کرده است و این مادران ، کودکان ۸ تا ۱۳ ساله خود را سرکار می فرستند و این همان چیزی است که قانون منع کرده است . اما در تلویزیون نشان می دهد که فرزند سرکار می رود و طبیعتاً بدترین شرایط کاری با کمترین حقوق نیز برای یک کودک وجود دارد. در آن تحقیق مطلبی که برای ما بسیار مهم بود، تشویق و تمجید دائمی مادر با جملاتی نظیر " تو دیگر مرد خانه هستی ، تو تصمیم گیرنده هستی ، آفرین بر تو که نان آور خانواده شدی " یعنی مسئله ای که ما به عنوان معضل اجتماعی مطرح می کنیم ، در فیلمهای سیما ، به عنوان پدیده ای مطلوب و قابل تقدیر نشان داده می شود . البته ما به سازمان صدا و سیما اعتراض کردیم، اما سازمان های متعدد هم باید به این سازمان و تهیه این نوع فیلم ها اعتراض می کردند .

دکتر شریفیان : خانم دکتر اعزازی بر بحث خانواده و نقش آن و رابطه نابرابری با پدیده کودکان خیابانی تاکید داشتند. ممکن است از آقای دکتر معتمدی خواهش کنم نظر خود را در این مورد بفرمایند ؟

آقای دکتر معتمدی : البته من بیشتر با دید پنل (Panel) در این جلسه شرکت کردم. اما بحث کودک خیابانی از بحث کلی آسیب ها در کشور جدا نیست . این که شما به کودک خیابانی به عنوان یک معضل و آسیب نگاه کنید بر می گردد به تفاوت تعریفی که بین محققین و مسئولین وجود دارد . مثلاً بین تعریفی که در ذهن من است با فرمایشات خانم دکتر تفاوت وجود دارد و من به آن اشاره می کنم ، ما مجبوریم به مسائل عملی جامعه بیشتر نگاه کنیم ، در عین حال که خودمان هم عضو هیات علمی هستیم و باید به مسایل علمی نیز توجه کنیم . در این حالت خودمان دچار معضلی دوگانه شده ایم . حتی در تعریف ها نیز ما دچار مشکل هستیم .

از نظر ما به عنوان روان پزشک ، تعریف کودک ، از ۱۲ سال به پائین را شامل می شود و اصولاً از این فاصله تا ۱۹ سال را نوجوان در نظر می گیریم ،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

در حالی ، که در هیچ یک از متونی که برای قانون می فرستیم و یا در متون یونیسف ، از این افراد به عنوان نوجوان یاد نمی شود ، بلکه آنها را کودک می گویند . در حالی که این مورد بسیار ساده است ، اما وقتی وارد خط اول می شویم ، دچار مشکل هستیم . تقسیم بندی ما نیز با تقسیم بندی خانم دکتر شریفیان تفاوت دارد . ما به سه دسته از کودکان خیابانی به صورت شفاف تری نگاه می کنیم .

۱. کودکانی که در خیابان هستند وشب به خانه بر می گردند .

۲. کودکانی که در خیابان هستند و خانواده می دانند که کجا هستند ، ولی ارتباط چندانی با آن ها ندارند .

۳. کودکانی که قطع ارتباط کرده اند .

خوشبختانه این گروه سوم پنج درصد جامعه را در بر می گیرند و مشکل ما نیز اینها هستند . در واقع گروه سوم هستند که از نظر ما کودک خیابانی تلقی می‌شوند، یعنی کودکانی که با تعریف خانم دکتر شریفیان Children of streets و بچه های خیابان هستند. البته این روزها مفاهیم جدیدتری نیز وارد بحث شده است ، که Street family نام دارد . در کشورهای جنوب شرقی آسیا ، در کشورهای هند ، افغانستان و پاکستان این مسئله وجود دارد و بعید نیست که در ایران نیز به این مورد برخورد کنیم . در این معنا ، بچه ها که در کنار خانواده و فامیلشان در خیابان زندگی می کنند که خود مانند کولی ها ، مفهومی خواهد شد که درآینده ای نه چندان دور ، عضو جامعه می شوند و باید برایشان کوپن در نظر بگیریم ، همان گونه که در هندوستان این کار را کرده‌اند و تشکیلاتی برای این گروه پایه ریزی می شود . و اما کودکی که همراه با فامیلش در فضائی در حدود ٤ یا ٥ متر زندگی می‌کند، تمام مسایل خانواده را به طور عینی به چشم می بیند . مسایل زندگی ، روابط جنسی پدر و مادر ، ارتباط پدر و مادر با خارج از خانه ، مواد مخدر تا هر مشکل دیگری جلوی چشمش در یک اتاق خیلی کوچک در حال اتفاق افتادن

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

است . چیزی شبیه به حالت حاشیه نشینی ، اما این بار در کنار خیابان ها .

از نظر ما ، تفاوت تعریف ما با دکتر شریفیان در این نکته است که اگر به کودک خیابانی به عنوان یک شغل نگاه کنیم و در تعاریفی که از بهزیستی داریم و برای دولت می فرستیم و روی آن بودجه می گیریم ، بگوییم کودک خیابانی یک شغل و یک واقعیت است ، در این صورت ، کودک خیابانی فردی آسیب دیده نیست . دید آسیبی به کودک خیابانی معضلات زیادی ایجاد می کند . کودک خیابانی یک شغل است و متأسفانه شغلی سیاه ، ناهنجار و بد است . کودک نباید در این سن کار کند ، اما واقعیت این است که کار می کند و جلوی کار کردنش را هم نمی توان گرفت به لحاظ اینکه در بسیاری از موارد اگر جلوی کار کردن کودک را بگیریم ، باعث می شود که مادر خانواده به فاحشه تبدیل شود ، یعنی کودکان خیابانی در بسیاری از خانواده ها سپر بلای بزرگترها هستند.

پس ما بر این اساس طرح ریزی می کنیم و نامش را مددکار در جا گذاشته ایم، چون قبلاً با این هدف که مددکاران در خیابان کار کنند ، آن را مددکاری خیابانی نامیده بودیم. اما مددکاران اظهار کردند که این عنوان زشتی است و بعدنامش را مددکار در جا گذاشتیم .

حال چرا کار کردن این کودکان اشکال دارد ؟ خانم دکتر اعزازی فرمودند اینها اصلاً در سن اشتغال نیستند و در قوانین کشورهای مختلف ، کار کردن زیر ۱۸ سال جرم تلقی می شود . اما نکته اساسی فقط بحث جرم نیست ، مشکل اساسی لغت جادویی یا Magical word است ، یعنی آموزش این ها چه می شود . قانون اساسی جمهوری اسلامی از آموزش اجباری ، فرهنگ اجباری نام می برد. این اجبار درباره این کودکان چه مفهومی دارد، جامعه ای که کودکان خیابانی و زباله های اجتماعی را تولید کرده است ، خودش آن ها را جمع آوری نمی کند بلکه آن ها را طرد کرده و فکر می کند اینها مثل زباله های آشپزخانه هستند .

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

بر این اساس ، ما مشکل آموزش را داریم . در حال حاضر طرح خودمـان را به این سمت می بریم که اینها کار بکننـد و آمـوزش هـم ببیننـد. آمـوزش بـر ۵ محور باید بنا گذاشته شود که مهم ترین آنها عبارتند از :

۱.ایجاد استقلال برای کودک، یعنی کودک یاد بگـیرد کـه مـی توانـد مستقل باشد و دربانده‌ای مختلف نرود .

۲.آموزش های کلاسیک در فرصت هایی که این کودکان دارنـد و بیشـتر بـر جنبه های کاربردی تکیه شود .

۳.آموختن یک حرفه به این افراد

٤.فامیلی درمانی که از دید جامعه شناس ها تغییر فرهنگ در خانواده است.

۵.ایجاد اشتغال

اگر بتوانیم کودک خیابانی را ، علی رغم همه تعریف های جـهانی در مـورد منع کار کردن کودک ، جایی مشغول به کار کنیم و تعریف ها را نادیده گرفتـه ، خودمان هم بر آنها نظارت داشته باشیم ، فکر می کنم یک معضل از جامعـه کـم خواهد شد ، حتی با این که قطعاً مورد سؤال واقـع خواهیـم شـد ، امـا تعریفـی عملیاتی از کار خودمان می کنیم ، چون نمی توانیـم تعریـف هـای علمـی ارائـه بدهیم . کشور ما ، کشوری نیست که بتوانیم مانند آمریکا با مسئله برخورد کنیـم. ما چند معضل در کشورمان داریـم ،یکـی مشـکل مـهاجرین ، اعـم از آبـادانی ، خرمشهری ، ایلامی و کرمانشاهی است که با وجود تعارضات فرهنگی ، درجای دیگری ساکن شده اند . مهاجرت های فصلی و بیکـاری بـه ایـن مـهاجرت هـا اضافه می شود. در کنار این مسئله ، پنـاهندگـان افغـانی ، پاکسـتانی ، عراقـی و هندی قرار دارنـد، و در نـهایت ، معضـل جدیـدی کـه فکـر مـی کنـم خـاص کشورماست و هیچ کشوری در دنیا با این معضل ، به این معنی ، برخورد نکرده، معضل بچه های صیغه ای است . ما در دو شـــهر قم و مشـــهد بـا مشـــکل بچه های صیغه ای مواجه شده ایم که عمـده اش در مشـهد اسـت . مـادران بـا پدران افغانی ازدواج کـرده انـد و حـاصل ، بچـه هـایی اســت کـه هویـت و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

شـــناسنامه ندارند . معمولاً این بچه ها را اطراف حرم امام رضا رها مـی کننـد و هم اکنون ، بعضی از آنها به ۱۲ سالگی رسیده اند .

موج کودکان خیابانی به زودی از حـالت کودکـی خـارج شـده و تبدیـل بـه جوان خیابانی خواهند شد و جوان خیابانی ، به مثابـه بمـب اسـت . در فرصـت بعدی ، به علل این مسئله می پردازیم که چرا آسیب هـای اجتمـاعی در ایـن دو سال زیاد شده اند . عده ای به من می گویند ، از زمانی که دولت آقـای خـاتمی روی کار آمد، آسیب های اجتماعی غوغا می کنـد . مـن حـدود ۱۸ علـت پیـدا کرده ام که ۵ مورد آن ها با کودک خیابانی مرتبط است .

یکی از معضلات بزرگی که ما داریم ، معضل آمار اسـت . معضـل آمـار ، و وضعیت بنیـهٔ علمـی را در علـل آسـیب هـای اجتمـاعی آورده ام . واقعـاً چـرا آسیب‌های اجتماعی زیاد شده اند ،زیرا ۵ سال پیش ما به آسیب هـای اجتمـاعی اصلاً فکر نمی کردیم . یکی از علت های زیاد شدن یک مسئله این اســـت کـه به آن بیشتر فکر کنیم ، یعنی نهفته ها را آشکار کنیم . البته من نمی خواهم دفـاع کنم .

نمایندگان یک شرکت آمریکایی با نام Global partner که یکی از مدعیان در امر آمار است ، به دفتر ما آمدند و برای کمک به کودکان خیابـانی حـدود ٤۰ هزار دلار چک آورده بودند ، که مـن از آنـها نگرفتـم و گفتـم ، مـا افغانسـتان نیستیم که برای ما پول می آورید . این یک توهین است ، این پول را به کودکـان افغانی بدهید ؛ ما می خواهیم شما به ما یک راه حل ارائه دهیـد کـه مـا کـودک خیابانی را چه طور جست و جو کنیم ، و چگونه تعدادشان را بسنجیم . در حال حاضر ما چند کودک خیابانی داریم که واقعاً خیابانی هســـتند و آنها گفتند کـه ما نمی دانیم . من از آنها خواسـتم کـه ٤۰ هـزار دلار را بـه محققـان آمریکـایی بدهند تا این طرح را برای ما پیاده کنند و یک فرمول بـه مـا بدهنـد . بـه عنـوان مثال ، هندوستان کار جالبی کرده است . ۵۰ عکـاس اسـتخدام کـرده اسـت و از آنها خواسته است که در ساعات ۱۰ ، ۱۵ : ۱۰ ، ۳۰ : ۱۰ و ... در ۵۰ دقیقـه از

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

شهر بمبئی عکس های بزرگ بگیرند . سپس با کنار هم گذاشتن این عکس ها و چسباندن آن ها ، یک نمایی از کودکان خیابانی آن جا بـه دسـت آورده اسـت . البته این یک طرح است و من تاکیدی بر درستی آن ندارم ، فقط تاکید مـی کنـم که به مشکل آمار فکر می کنند .

مشکل دیگر ما نگرش های مختلف به کودکان خیابـانی اسـت ، بـه عنـوان مثال ، ما یک نگرش داریم ، شهرداری یک نگرش وکمیتهٔ امداد نگرشی دیگـر . بعضی فکر گداپروری دارند ، عده ای فکر آموزش وعده ای دیگر فکـر فرهنـگ و تغییر دارند؛ این مشکل باید در جایی حل شود وکارها در حالت موازی پیـش برود .

مورد بعدی ازدواج های در سنین پائین و تولد کودکان است ، می دانیـد کـه صرف نظر از معضلات تغذیه ای ، فیزیکی و جسمی ، مشکل فرهنگ و آموزش هم داریم . مثلاً شما شروع برنامه ریزی ذهنی تان را در ۲۰ سالگی ، با ذهن یک جوان ۲۰ ساله فعلی مقایسه کنید . جوانان فعلی معلوماتشـان از مـا بیشـتر ، امـا تحلیلشان ضعیفتر است ، درست مانند کامپیوتر . ما در ۲۰ سالگی ازدواج کردیم و سرکار رفتیم ، اما جوان فعلی در این سن هنوز افکار دیگری در سر دارد.

دکتر شریفیان : دکتر معتمدی بیشتر بر جنبه هـای عملـی و اجرائـی مسـئله تاکید کردند ، که البته برای من تعدادی سوال پیش آمد و اگر فرصتـی بـود بعـداً مطرح خواهم کرد . اما هنگامی که در مورد موضوع کودکـان خیابـانی بـا آقـای حافظی فر (معاون مدیر کـل اجتمـاعی وزارت کشـور) و خـانم نـیر نـوری از یونیسف صحبت کردم ، متوجه شدم که طرح های مشترکی بین وزارت کشور و دفتر یونیسف در ایران در حال اجراست ، که بسیار برای من امیدوار کننده اسـت و خوشحالم که آقای حافظی فر در این جا حضور دارند . درخواسـت مـن ایـن است که خود ایشان در این موارد توضیح بیشتری بدهنـد کـه وزارت کشـور بـا توجه به مسئولیتی که در این زمینه دارد چه کارهایی انجام می دهـد و دیـدگـاه شما به عنـوان نمـایندهٔ وزارت کشـور در معـاونت اجتمـاعی نسـبت بـه مقولـهٔ

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

کودکان خیابانی چیست ؟

آقای حافظی فر : من سعی کردم مطالب را منسجم و منظم کنم . با توجه به تنوع کاری وزارت کشور ، برای من بسیار سخت است که ارتباط بحث کودکان خیابانی را با وزارت کشور توضیح دهم ، اما ، در هر حال لازم است .

همان طور که مطلع هستید ، وزارت کشور یک وزارتخانه حکومتی است . اگر بخواهیم در یک جمله ، وظیفهٔ این وزارت خانه را نشان بدهم ، شاید مهمترین وظیفه آن ، نظارت بر نحوهٔ اعمال سیاست های حقوقی دولت در داخل مرزهای ملی ماست. پس طبیعی است که بحث مسائل اجتماعی از این مهم مستثنی نباشد . استاندارانی که در واحدهای تقسیمات کشوری نمایندگان وزارت کشور هستند، در حقیقت نمایندگان دولت می شوند و طبیعی است که وزارت کشور از این منظر به نحوی با موضوعات اجتماعی درگیر است . اگر ما به سابقهٔ گزارش هایی که از استان ها می رسد ، چه قبل و چه بعد از انقلاب ـ البته با تفاوت هایی که در کیفیت و نوع گزارش ها وجود دارد ، مراجعه کنیم ، بحث موضوع ها و مسائل اجتماعی از دغدغه های مهم نمایندگان این وزارت خانه یا دولت در واحد های تقسیمات کشوری بوده است . بعد از انقلاب هم ما شاهد این نوع گزارش ها در بایگانی وزارت کشور بوده ایم . البته نه با زبان و نگرش علمی ، بلکه با نوعی نگرش عمومی که با تشتت دیدگاه نمایندگان دولت نسبت به موضوع های اجتماعی همراه بوده است .

متأسفانه وزارت کشور هم با توجه به آفتی که دولت و مجموعه بوروکراسی ما مبتلا به آن است ، به خصوص در رابطه با تصمیم گیری در مورد مسائل اجتماعی ، مستثنی از این موضوع نبوده است .

در دورهٔ اخیر که مسائل اجتماعی نمود و ظهور بیشتری یافته اند، بنا به دلایلی که در این جا مجالی برای طرح آن وجود ندارد ، وزارت کشور به صورتی متفاوت از سابق با مسائل اجتماعی مواجه است . در این جا به تحولی که در سازمان بهزیستی در رابطه با این نگرش رخ داده ، اعتراف می کنم . نوع

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

نگرشی که این سازمان نسبت به آسیب ها دارد و همکاری تنگاتنگ بین وزارت کشور و بهزیستی ، بسیار موثر بوده است .

با گفتن اینکه وزارت کشور بر نحوهٔ اعمال سیاست های عمومی نظارت دارد ، این سؤال به ذهن متبادر می شود که تدوین این سیاست ها در ارتباط با مسائل اجتماعی چه وضعیتی دارد . متاسفانه نوع نگرش به این مهم ، ما را به مسئله ای می رساند که من نامش را فاجعه می گذارم . نوع نگرش ما در سیستم تصمیم گیری و دستگاه دولتی نسبت به مسائل اجتماعی ، یک نگرش جامع و علمی نسبت به موضوعات و مسائل اجتماعی نیست مورد بعدی این که ما در خصوص تصمیم گیری ، شاهد نوعی تشتت و پراکندگی هستیم . مورد آخر که بر موارد بالا تاثیر دارد ،عدم ارتباط مجموعه دولت با مراکز علمی است . برخورد های مقطعی با مجموعهٔ مسائل اجتماعی و عدم توجه به ریشه ها و عوامل آن ، از دیگر مشکلاتی است که ما در مجموعه دستگاه های دولتی مبتلا به آن هستیم ، به عنوان مثال : دکتر معتمدی مستحضرند که حدود دو سال است شورای عالی اداری ، مصوبه ای تحت عنوان " سامان دهی متکدیان خیابانی " را ابلاغ کرده و وزارت کشور و چند نهاد دیگر را موظف نموده است که بحث متکدیان را سازمان دهی کنند . برای من و شاید بسیاری دیگر از دوستانی که در حوزهٔ مسائل اجتماعی کار می کنند، این سؤال مطرح است که آیا واقعاً نگرش کلی به آسیب هاو مشکلات اجتماعی ما به صورتی بوده که به این نتیجه برسیم که بحث متکدیان در مقایسه با سایر آسیب هایی که شاهدش هستیم ، دارای اولویت است .

سال پیش حدود یک میلیارد و هشتصد میلیون تومان و امسال حدود یک میلیارد و نهصد میلیون تومان ، در ارتباط با متکدیان هزینه شده است . برای سال آینده نیز مبلغی متجاوز از دو میلیارد تومان هزینه در نظر گرفته شده است . ضمناً نوع نگرش نسبت به این پدیده بسیار جالب است . ما جلسه ای در سازمان مدیریت و برنامه ریزی با حضور آقای طالبی داشتیم . دوستان اصرار

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

داشتند که این طرح ۵ ساله است و در سه سالی که از آن باقی مانده ، باید نوعی آن را جمع کنید . من سوال کردم منظور شما از جمع کردن چیست ؟ پاسخ دادند : " خیلی ساده است ، یعنی بعد از ۵ سال ، دیگر در کشور ما گدا وجود نداشته باشد . " این نوع نگرش یک دفتر سازمانی است که برای کشور برنامه‌ریزی میکند و نحوهٔ دید آن ها را نسبت به یک آسیب و موضوع اجتماعی نشان می دهد و البته وزارت کشور هم از این مسئله مستثنی نیست. بدون کوچک‌ترین هم آهنگی با وزارت کشور و وزیر کشور ـ جانشین فرماندهی کل قوا در ارتباط با نیروی انتظامی است ـ این دوستان برای خودشان معاونت اجتماعی دارند و در آنجا برنامه ریزی و سیاست گذاری می کنند .

جالب اینجاست که حوزه های مختلف ، هم سیاست گذاری می کنند ، هم اجرا و هم نظارت دارند می کنند و این عملکرد، در دستگاه های مختلف وجود دارد.

تلاش های ما در دفتر امور اجتماعی این بوده است که نوع نگرش به آسیب های اجتماعی راعوض کنیم ، در این راستا ، به دنبال همکاران و هم فکرانی در دستگاه های دیگر بوده ایم وسعی کردیم ارتباط تنگاتنگی با این دوستان داشته باشیم که بهزیستی از جمله این سازمان ها بود و دیدگاهشان در ارتباط با آسیب ها برای ما بسیار جالب بود ، تعصبات سازمانی را هم کنار گذاشته ایم . در ارتباط با شهرداری تهران و اختلافی که با بهزیستی در زمینهٔ کودکان خیابانی و بحث های اجتماعی دارند ، سعی بر این بوده است که نحوهٔ نگرش شهرداری تهران را به دلیل این که جامع و علمی نیست ، عوض کنیم . بحث بعدی در ارتباط با ایجاد نوعی هماهنگی بین دستگاههای اجرائی بوده است . اخیراً ، ما آیین نامهٔ تشکیل شورای اجتماعی کشور را با ریاست وزارت کشور به تصویب رساندیم ، به اضافهٔ ۲۰ سازمان که در ارتباط با موضوع های اجتماعی هستند . در ارتباط با روش های کار شورای اجتماعی به نحوی عهده‌دار وظیفه تاکید بر این بود که این کار گروه ها ترکیب اجرائی داشته باشند،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

نظر ما این بود که تصمیم گیری در خود شورا باید انجام بگیرد . کار گروه هـای متشکل از افراد صاحب نظر و اندیشمند مربوط به موضوع ها و مسائل اجتماعی است و امیدواریم که بتوانیم در قالب این شورا بحث هم اهنگی سیاست گـذاری را دنبال کنیم . که البته این هم تلاشی است که در دستگاه دولتی صورت گرفتـه است .

دکتر شریفیان : با تشکر از مطالبی که مطرح فرمودید ، لطفاً به طور خـاص ، فعـالیت حـوزه معـاونت اجتمـاعی وزارت کشـــور را در ارتبـاط بـا کودکـان خیابانی، ذکر کنید و همین طور، فعـالیت سـازمان هـای غـیر دولتـی را در ایـن ارتباط توضیح دهید .

آقای حافظی فر : متاسفانه ، در استان ها ، نحوه برخورد با مسـئله کودکـان خیابانی و مصوبه شورای عالی در مورد متکدیان ، مشابه بوده است . مـا بـا هـم آهنگی هایی که با بهزیستی داشتیم، از ابتدای امسال به استان ها ابلاغ کردیم کـه بحث کودکان خیابانی، الزاماً با هم آهنگی بهزیستی و بدون استفاده از شـوراهای مربوطه به جمع آوری متکدیان ، مورد بررسی قرار بگـیرد و در همیـن ارتبـاط ، همکاری مشترکی با یونیسف داریم . در ارتباط با تمام شماری کودکان خیابانی ، امسال محقق آن مشخص و پیش طرح ارائه شد و در بهزیستی ، صاحب نظـران این پیش طرح را بررسی کردند و پیشـنهاداتی دادنـد و قـرار شـد محقـق آن را بازنگری کرده و دوباره آن را ارائه بدهد .

امسال با توجه به این که چنین طرحی در کشـور سـابقه ای نـدارد . رای مـا مهم است که در این پیش طرح ارائه شد . فکر مـی کنـم یکسـال دیگـر امکـان اجرای این طرح وجود داشته باشد .

بررسی نحوهٔ ارائه خدمات در مراکـزی کـه در ارتبـاط بـا کودکـان خیابـانی عهده‌دار مسئولیت هستند، از جمله طـرح هـای مشـترک بیـن وزارت کشـور و یونیسف است و مجری این طرح نیز دکتر سپهر هستند . هـدف از اجـرای ایـن

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

بررسی وضعیت فعلی مراکزی است که در ارتباط با کودکان خیابانی فعالیت می کنند و هدف ما مقایسه فاصله ای است که در این مراکز با شرایط مطلوب داریم .

با توجه به تجاربی که از کشور هند در ارتباط با کودکان خیابانی کسب کردیم ، تصمیم داریم در ٤ شهر کشورمان ـ شهرهایی که بیشتر درگیر کودکان خیابانی هستند ـ با همکاری بهزیستی ، ٤ سازمان غیر دولتی را با انتقال آموزش هایی که از هند به دست آوردیم ، به صورت پایلوت ایجاد کنیم . هم زمان ، آموزش مددکاران و کارکنانی که در مراکز ارائه خدمات به کودکان خیابانی کار می کنند ، در قالب همین طرح ، مورد توجه وزارت کشور و یونیسف است .

در ارتباط با سازمان های غیر دولتی ، مشکل عمده ، نحوه ثبات این سازمان‌ها است . سازمان های غیر دولتی با مسیری بسیار طولانی و سخت مواجه هستند . ما قانون جامع نحوه ثبت و فعالیت سازمان های غیر دولتی را اخیراً به هیات دولت ارائه کردیم . این طرح برای بررسی به وزرای عضو کمیسیون سیاسی ، دفاعی داده شده است و بعد از تصویب در هیات دولت و در مجلس به صورت لایحه مطرح می شود .

ما پیش بینی کرده ایم که یک سازمان غیر دولتی حداکثر طی سی روز به تصویب برسد و سخت گیری هایی را که انجام می شد، به کل حذف کردیم ؛ صرفاً عدم سوء پیشینهٔ موثر کیفری در ویژگی افراد لحاظ شده است ؛ ثبت و نظارت بر سازمان های غیر دولتی را به عهدهٔ کمیته ای در فرمانداری ها گذاشتیم ؛ تعداد اعضای این کمیته ۵ نفر است که ۳۰ تن از آنها غیر دولتی و ۲ نفر دیگر دولتی هستند . می بینیم که باز وزنهٔ غیر دولتی ها در همین کمیته که وظیفهٔ صدور مجوز و نظارت بر فعالیت NGO ها را بر عهده دارد، بیشتر است؛ فرماندار رئیس کمیته است و اعضای آن ، رئیس دادگستری ، یک نفر از اعضای شورای شهر و ۲ نفر از اعضای سازمان های غیر دولتی همان شهرستان به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

انتخاب سازمان های غیر دولتی هستند . این مجموعه اقداماتی است که در ارتباط با سازمان های غیر دولتی و کودکان خیابانی صورت گرفته است .

دکتر شریفیان : با توجه به اینکه خانم دکتر اعزازی هم در ابتدای بحث اشاره کردند که کارهای انجام شده در زمینهٔ کودکان خیابانی در ایران بسیار کم است ، توضیحات شما در مورد شروع یک سری بررسیها و مطالعات ، بسیار امید بخش است . البته این سؤال برای من پیش می آید که با چه تعریفی از کودکان خیابانی، طرح تمام شماری کودکان خیابانی اجرا خواهد شد ؟

خانم دکتر طالقانی : تعریف کودکان خیابانی در فرهنگ های مختلف ، متفاوت است . در کشور ما، اخیراً می بینیم که گروه جدیدی به کودکان خیابانی اضافه شده اند که ولگرد نیستند ، خلاف هم نمی کنند و در خیابان ها مثلاً خرید و فروش گل، آدامس و سیگار می کنند . آیا ما در فرهنگ خودمان این گروه را جزء کودکان خیابانی حساب می کنیم با خیر ؟

من به خاطر می آورم زمانی که خودم دانشجو بودم ، مسئله کودکان خیابانی و شمارش آنها به میان آمده بود ، به ما گفته بودند هر بچه ای که در سن دبستانی است ، اگر در خیابان باشد ، کودک خیابانی است . مثلاً یکی از کارهایی که می کردیم این بود که در چهار راه های پر رفت و آمد و یا مدخل پارک ها توقف می کردیم و بررسی می کردیم که چه بچه هایی در سن دبستان هستند ، ولی در دبستان نیستند . و از آنها علت مدرسه نرفتنشان را می پرسیدیم. حال سوال من این است که ما کدام دسته از بچه ها را می خواهیم جزء کودکان خیابانی حساب کنیم ؟ آیا همه کسانی که مشمول قاعده بالا هستند ، جزء کودکان خیابانی به شمار می آیند یا باید یک گروه خاص را در نظر بگیریم .

گاهی اوقات با ذکر کلمهٔ بچه های خیابانی، نوعی از جرم و کارهای خلاف در ذهن جرقه می زند . آیا این عده هم جزء بچه های خیابانی حساب می‌شوند؟ اگر این طور است گروه اول را چطور به حساب می آوریم ؟

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

سوال دوم من این است کـه چگونـه کودکـان خیابـانی را مـی شـماریم ؟ و هدفمان از این شمارش چیست ؟ در نهایت ، اضافه مـی کنـم کـه قبـل از ارائـه کردن هر گونه طرح برای شمارش یا شناسائی آنها ، بایســتی فـرض را بـر ایـن بگذاریم که همه این کارها را کرده ایم و ببینیم برای این کودکان چـه برنامـه ای داریم ؟

استاد سلطانی : در تعقیب سخنان دکتر طالقانی من می خواهم بدانم تـا چـه اندازه این کودکان غیر عادی و احتمالاً خطرنـاک هسـتند ، چـون جنبـهٔ جـهانی دارد. آیا باید با ایجاد مراکز نگهداری کودکان مسئله را حـل کـرد و یـا بـاید در خود جامعه جذب و حل بشوند ؟

من فکر می کنم باید در زمینهٔ پیشگیری ، مطالعاتی داشته باشیم و حـل ایـن مسئله سیاست کلان مملکتی می طلبد . ما تاکید می کنیم که این کلان شـهرها را بزرگتر نکنید و باعث مهاجرت افراد از روستا نشوید .

دوسال پیش ، تهران با افتخار اعلام کرد که بـا زدن حلقـه چـاه در لواسـان ، جاجرود و بومهن ، نگذاشتیم تهران بی آبی بکشد . هنگامی که شما مایه حیـات روستایی را از او می گیرید دیگر چیزی برای ماندن ندارد که به شهر نیاید . اگـر واقعاً بخواهیم رادیکالی فکر کنیم باید از آنجا ها شروع کنیم . چه بین بخشـی و چه سیستمیک کار کنیم .

در حال حاضر کودکان خیابانی تقریباً متفرق هستند و کم کم سـازمان یافتـه نیز خواهند شد و هر کدام از آنها ، در روز هزار تا هزار و پـانصد تومـان درآمـد دارند . ماسابقه خیلی قدیمی از اردوگاه هـای کـار متکدیـان داریـم . سـال ۱۳٤۱ آنها را می گرفتیم و به این اردوگاه ها می بردیم و فکر می کردیـم داریـم از آنها پذیرائی می کنیم ، در حالی که ، بعد آن هـا فـرار مـی کردنـد ؛ و وقتـی راجع به دلیل فرار از آنها سوال می کردیم ، مـی گفتنـد مـا در خیابـان ولیعصـر روزی ٤۰ تومان درآمد داریم . از این رو می فهمیم که اینها در آمد زائی دارند .

طبق فرمایشـات خانم طالقانی ، ما کدام دسته را به عنـوان کـودک خیابـانی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

می شناسیم ؟ ممکن است زمانی هر دو دسته به هم به پیوندند و خطرات دسته جمعی برای مردم ایجاد کنند . مثلاً در امریکا دور هم جمع می شدند و آتش سوزی راه می انداختند و مشکلاتی به وجود می آوردند و وقتی که ما شبها می رفتیم ، می دیدیم که اینها همان کودکان خیابانی هستند .

خانم دکتر فروزان : شاید کار کردن در فضای اجرائی ، سؤالات جدی در ذهن انسان مطرح می کند و هنگامی که امکان دسترسی به افراد علمی که تجربیات زیادی هم دارند ، پیش می آید، می خواهیم پاسخی برای این سوالات بیابیم .

من تجربیاتی در این زمینه دارم که مبتنی بر تصادف و اتفاق است و شاید نتوان اصول آکادمیک علمی برای تحلیل آنها ارائه داد .

در سه استان کارهای پژوهشی محدودی راجع به کودکان خیابانی انجام شد. همکاران ما در سازمان بهزیستی استان زاهدان این کار را انجام دادند . حدود نود درصد این بچه ها ، کودکانی بودند که طبق تعریف شما Children on streets هستند . یعنی نان آوران کوچک خانواده ها. در استان خوزستان یک طرح مقطعی برای جمع آوری این کودکان انجام شد و من تصادفاً آنجا بودم . سه روز متوالی که این برنامه اجرا می شد ، بین ۹۸ تا ۹۹ درصد این بچه ها هر شب به خانه هایشان بر می گشتند و ۱ درصد هم که باقی می ماندند ، یا بچه های افغانی و مهاجر بودند و یا معلولیت داشتند که درآن مراکز باقی می ماندند . یک NGO دراستان خراسان ٤ یا ٥ مرکز با کودکان خیابانی به راه انداخته است . یونیسف از این مراکز بازدید کرده است و آن را با استانداردهای یونیسف منطبق دانسته است . مسئولیت این موسسه را دکتر چشم پزشکی بر عهده دارند و نام آن موسسه مولی الموحدین است .

فرصتی پیش آمد تا به تجربیاتشان گوش کنیم . ایشان اظهار می کردند که از این ٤ یا ٥ مرکز فقط یکی ، با نصف ظرفیت مشغول به کار است و بقیه خالی هستند و خودشان می گفتند ، علی رغم این که من هر شب هنگام مراجعت از

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

مطب به منزل، در خیابان آن ها را می بینم ، به این نتیجه رسیده ام کـه اینـها بـه خانه هایشان بر می گردند . و در جســـتجوی راه کارهایی بودنـد کـه چطـور می توان خانواده را تقویت کرد تا بچه ها برای به دست آرودن درآمد به خیابـان نیایند . در نتیجه ، شبکه های گسترده ای برای اشـتغال خـانواده هـا راه انـدازی کرده بودند و تاکید می کردند که این تجربه موفقی بوده و البتـه ارزیـابی علمـی روی این قضایا نشده است .

طبق گزارش های سال ۷۹ سـازمان مدیریـت و برنامـه ریـزی ، سـه میلیـون خانوار زیر خط بقا هستند . موضوعی که خیلی جدی ذهن ما را شغال مـی کنـد این است که ۷۰۰ هزار از این خانواده ها ، تک والدی وزن سرپرسـت هسـتند و وضعیت این خانواده های تک والدی در بین آن ۳ میلیون ، از همه بدتر است .

امروزه ما می توانیم دو میلیارد از اعتباراتمان را به ایجاد مرکز ، ارائه طـرح و تامین نیرو برای کودکان خیابانی ، اختصاص دهیم ، اما فردا ممکن اسـت دیگـر نتوانیم ادامه دهیم چون ضابطه های ما خیلی ثبـات ندارنـد . تجربـهٔ سـازمان در سال های ۷٦ و ۷۷ نشان داد که ما به دلیـل سـقوط قیمـت نفـت ، بـرای تـامین نیازهای اولیه مراکزمان به شدت دچار مشکل شده بودیم ، یعنی حتی کسـانی را که آورده بودیم و موظف بودیم در مراکزمـان بـه آنـها خدمـات بدهیـم ، دیگـر نمی‌توانستیم نگه داریم .

پس در یک چنین شرایطی ، وقتی نهادهای اجتماعی وارد عرصه می شـوند ، به دلیل عدم ثبات بودجه و شاید مهمتر از آن ، عدم ثبات مدیریت و برنامه و... کارکردهایشان چندان موفقیت آمیز نخواهد بود . چه چیز باعث می شود کـه مـا به جای تقویت خانواده که کـم هزینـه تـر و دارای ثبـات (Stability) بیشـتر است ، به علاوه عوارض موسسه زدگی را هم ندارد ، دائماً کارهایی را کـه بـاید اجرا شوند، بگوییم نهادهای اجتماعی آن را انجام دهند . این اسـت کـه در ایـن چند سال که من درگیر مسایل اجرایی بوده ام ذهنم را بسیار اشغال کرده اسـت . به عنوان مثال ، زمانی که ما مطرح کرده ایم که یک خانواده تک والد با میـانگین

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

درآمد ماهیانه ۱۳ هزار تومان ، می میرد ، کسی حرف ما را گوش نکرده است . ولی زمانی که گفته ایم می خواهم برای زنان ویژه مرکز بزنیم ، همه ما را تشویق کرده اند و گفته اند ، ببینیم چگونه می شود برایش کمک مالی بین‌المللی گرفت و خوب است NGO ها هم در این زمینه فعال شوند .

من فکر می کنم این مشکل جدی است و دنبال این هستم تا جوابی برایش پیدا کنم. ما می دانیم در شرایطی که هنوز تعریفی برای کودکان خیابانی نداریم ، گروه عظیمی از این بچه ها برای کسب در آمد به خیابان ها می روند . اما ، چه تدبیری می اندیشیم که خانوادهٔ آنها را تقویت کنیم . ما تحقیق کرده ایم و متوجه شده ایم که ۵۰ درصد خانواده های زیر خط فقر، حتی یک فرد شاغل هم ندارند . بررسی کنیم که سرانهٔ ایجاد یک فرصت شغلی ساده و سرانه نگهداری این بچه ها در مراکز چقدر است و آن وقت ببینیم چه کمکی می شود به اینها کرد که مداوم تر، موثر تر و پایدارتر باشد . البته الگوهای دیگری در کشورهای مختلفی مانند هند ، پاکستان و کشورهای پیشرفته وجود دارد که ممکن است مدل های خیلی خوبی هم باشند ، اما برای شرایط فرهنگی خود آنها مناسب است . من به عنوان کسی که مدتها دست اندر کار امور اجرایی بوده و از فضای علمی دور بوده ام هنوز نتوانسته ام برای سؤالم پاسخی مناسب بیابم. این سوال نه تنها برای کودکان خیابانی ، بلکه برای زنان ویژه و مسائل اجتماعی دیگری که به شکلی دامنگیر گروه هایی از جامعه است ، در ذهن مطرح می شود. فکر می کنم اگر واقعاً بتوانیم به این سوال پاسخ مناسب بدهیم ، آن وقت می توانیم بگوییم چند درصد از این کودکان ، دریک تعریف و چند درصد در تعریف دیگر می گنجند و برای هر کدام ، چه برنامه ای می توان داشت و آیا هر دسته ، شرایط وارد شدن به این برنامه را دارند یا خیر .

اگر این ۳ میلیون خانوار زیر خط بقا ، ببینند تحصیلاتی برای کودکان خیابانی فراهم می شود که مناسب تر از امکانات خانواده است ، آیا فرزندان خود را تشویق نمی کنند که به جای تقویت خانواده از این امکانات استفاده

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

کنند. میزان موفقیت موسسات کشورما در زمینه مراقبت از فرزندان چقدر بوده است . آن کودکانی که به هر دلیلی ، بی سرپرست ، خیابانی بوده اند ، چقدر بعد ها موفق شده اند ؟ آیا تا به حال مقایسه کرده ایم تا بفهمیم آنهایی که در خانواده ، علی رغم نا کار آمدی شدید آن ، زندگی کرده اند ، موفق تر بوده اند یا آنهایی که به موسسات آوردیم و با هزینه های بیشتر نگهداری کردیم .

آقای دکتر حاج یوسفی : من فکر می کنم که باید از دیدگاه و منظر مسائل ساختاری به این مسائل نگاه کنیم و فکر می کنم پدیدهای حاشیه نشینی ، کودکان خیابانی ، زنان ویژه و بزهکاری ، معلول شرایط اجتماعی و نابرابریهای اقتصادی ، اجتماعی و تاریخی این مملکت هستند ؛ برای روشنفکران و محققان آگاه پیدایش این پدیده و روند رشد آنها کاملاً آشکار و قابل پیش بینی بوده است و پدیده ای نیست که امروز یکباره خودش را نشان داده باشد ، بلکه از دهه های گذشته شکل گرفته و امروز نمود یافته است . بنابراین ، اگرمسئله را دو قسمت بکنیم . یک قسمت ، برخورد آسیب شناسانه است که با دیدگاه محدود و بارویکرد موضوعی برای حل مسائل یاد شده بررسی می کند. سازمان بهزیستی و دانشگاه علوم بهزیستی باید برنامه ریزی در این زمینه داشته باشند . اما اگر مسائل را در سطح کلان ببینیم ، این موارد در جامعه ایران نشان از یک سلسه رخ داده ها و مسائلی دارند که در سطح کلان رخ داده اند. نا برابریها بیشتر شده و در جامعه عملاً تضاد بین سرمایه و کار شدیدتر شده است، تضاد بین زندگی شهری و روستائی فزونی گرفته است ، تضاد بین فرهنگ بومی و جهانی زیادتر شده است . کنترل و دسترسی مردم به منابع ، به شدت محدود شده است و قشر بسیار کوچکی از جامعه به منابع ملی دسترسی دارند . اینها مسائل ساختاری هستند و باید آن ها را مسائل اساسی توسعه بدانیم و با آن برخورد کنیم . حتی رشد جمعیت هم به نظر من معلول شرایط اجتماعی بوده است و عدم توجه به عامل جمعیت در دهه اول انقلاب بود و اشتباهات سیاست گذاری های کلان دهۀ اول انقلاب بوده است. در اثر فروپاشی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

ساختارهای مدیریتی اکثر سازمانها از توان کارشناسی با تجربه تهی شدند مثلاً سازمان برنامه به عنوان یک سازمان ستادی و فنی و کارشناسی ، با خروج نیروهای متخصص ضعیف شده است ، زیرا ۶۰۰ نفر کارشناس صلاحیت دارو مثلاً با ۲۰ تا ۲۵ سال سابقه بنا به تقاضای خود بازنشسته شدند و سازمان دیگر قادر به اجرای وظایف کار کارشناسی نبود . سازمانهای تخصصی دیگه نیز با چنین روبرو بودند . بنابراین ، چنین دستگاههایی نمی توانند به شناسایی و تحلیل مشکلات بپردازند که به نظر من ، یکی از مسائل ساختاری بعد از انقلاب است . دوم ، سیستم بوروکراسی منفی دولت است. در هر بخشی منابع تخصیص می یابد سپس این منابع در پیچ و خم اداری هدر می رود و اصلاً صرف موارد اصلی نمی شود . اگر سرانه های سرمایه گذاری اقتصادی ، کشاورزی، خدمات رفاهی ، تامین اجتماعی و بهداشت را به جمعیت بر آورد کنیم ، می بینیم آنچه که سرمایه گذاری و هزینه می شود، از شاخص های متوسط کشور های با رشد شتابان کمتر نیست ، اما یک صدم آن هم به مردم نمی رسد و نیز گسترش این بوروکراسی حجم روز به روز کار را دشوار نیز می کند . من تصورم این است که دانشگاه باید به مسائل ساختاری مسائل اجتماعی بپردازد . راه حل های کاربردی کوتاه مدت و بلند مدت ارائه دهد و مهمتر اینکه ، دانشگاه باید در راه پژوهش ها بینش ، معرفت و شناخت علمی در زمینه حل مشکلات تولید کند .

علاوه بر این که در ریشه های مسائل ، تضادهایی داشتیم ، دیدگاه های موجود در مورد مسائل اجتماعی هم بسیار سطحی است و پدیده های اجتماعی را بر پایه عوامل سطحی و غیر ریشه ای تحلیل می کنند . مثلاً هنگامی که با زن ویژه ، بزهکار و یا معتاد فقط به عنوان مجرم برخورد می شود ، اینگونه مسائل اجتماعی نه تنها حل نخواهد شد ، بلکه تشدید شده و به مرور تبدیل به بحران‌های شدید اجتماعی و گاه سیاسی می شود .

مسئله دیگر این است که فکر می کنم نباید زیاد به الگو های جهانی تکیه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

بکنیم، برای مثال ، هندوستان در این عرصه خدمـات اجتمـاعی الگـوی موفقـی نبوده اسـت ، دو کشـور بـزرگ در کنـار هـم هسـتند ، یکـی چیـن و دیگـری هندوستان است . یکی یک میلیارد و سـیصد میلیـون و دیگـری یـک میلیـارد و بیشتر جمعیت دارد . آیا در چین ، با پدیده های اجتماعی که در هنـد برخـورد می کنیم ، به همان شدت مواجه می شویم . پـس بـاید بـه مسـائل در محـدودهٔ دیگری نگاه کنیم. در مورد این پدیده باید بنیادی بررسی کـرد. و راه حـل هـای بنیادی یافت. در یک چارچوب محدود اداری، فقط راه حل های کوتاه مـدت و موضعی پیدا می کنیم. مثلاً در مورد یک معضل اجتماعی دیگر که امروز مسـائل شهری را تحت شعاع قرارداده است ، حاشیه نشینی است .

بر طبق اطلاعـات کلـی وزارت مسـکن و شـهر سـازی ،حـدود ۲۵ درصـد جمعیت شهر نشین ایران در محدودهٔ حاشیه نشینی جای می گـیرند . حـال ایـن پدیده را به کودکان خیابانی ارتباط بدهید . زیـرا اینـها حاشـیه نشـین هسـتند و اکثریتشان زیر خط فقر هستند . بنابراین ، پرداختن به مسـائل مـوردی اجتمـاعی نباید ما را از مسائل اساسی جامعه غافل کند .

خانم دکتر محمد خانی : من به طور غیر مستقیم در پژوهشی کـه هـدف آن اندازه گیری کودک آزاری (Child abuse) بود ، با کودکان خیابـانی برخـورد داشتم . زیرا این کودکان ، در معرض بیشترین انواع مختلـف آزار قـرار دارنـد و بهترین گروه بالینی هستند که من یک Cut off Point برای پرسـش نامـه هـای خود داشته باشم . واقعیت این اسـت که میانگین خیلـی بـالایی داشـتند و بـا بچه های عادی و بچه هایی که در خانواده زندگی می کنند قابل مقایسه نبودند . به هر حال ، نکته جالب آن بود که تعدادی هم بودند که در حد بچـه هـایی کـه در خانواده زندگی می کنند، مسـائل را گزارش داده بودند و این می رساند که به هر حال آنجا نیز ما با یک گروهی از کودکـان خیابـانی و در معـرض آسـیب بودن مواجه هستیم . برای برنامه ریزی های کلان بهتر است کـه حتمـاً تعـاریف دقیق تری از آن ها را داشته باشیم و حتمـاً آن هـا را در طبقـات مختلـف قـرار

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

بدهیم و مسائل طبقات مختلف را بشناسیم . آن هایی را که کم مسئله تر هستند و قابلیت بیشتری برای کمک دارند ، هر چه سریع تـر از فضـای آسـیب رسـان خارج کنیم. تمام شماری نیز طرحی است که وقتی مسـائل خـاص ایـن چنینـی قابل حل تر هستند، در اولویت بعدی ما قرار می گیرد .

مراکز ما ـ چه مراکز دولتی و چه مراکزی که به نوعـی مـردم در تاسـیس آن دخالت داشته اند ـ باوضعیت مطلـوب فاصلـه ی زیـادی دارد و اگـر طرحـی ، بودجهٔ کلانی هم بگیرد و به مرحله اجرا برسد، باز با وضعیت موجود، از حـالت مطلوب بسیار دور خواهند بود . در حـالی کـه، مـا مـی توانیـم بـا طـرح هـای کاربردی تر و مفید تر ، سریع تر به این جمعیت کمک کنیم .

دکتر طالقانی : موردی که من از نقطه نظر خودم به آن نگاه می کنم ، مسائل مالی و مشکلات مختلفی نیست که این بچه های خیابانی دارند بلکـه مسـئله ای که همگی ما باید نگرانش باشیم ، آگاهی ها ، اطلاعات و گنجینه های لغت غلط و نابجائی است که این کودکان در حین خیابانی بود نشـــان پیدا می کنند.

به موجب تحقیقاتی که ســـال های پیش انجام شده است ، بچه هـایی کـه خیابانی هســتند، به هر دلیل ، با بچه های هم سن و سالشان اختلاف سن پیـدا می کنند ، یعنی این بچه ها با آگاهی های درست و غلـط ، بـزرگ مـی شـوند . بنابراین خطر این اســـت که بچه هایی که آگاهی های غلط پیـدا مـی کننـد می توانند فرهنگشان و آگاهیشان را بـه بچـه هـای هـم سـن و سالشـان کـه از خودشان پائین تر ایستاده اند اشـاعه دهنـد . و ایـن خطـری اسـت کـه فحشـا ، بزه‌کاری ، تبه کاری و اغفال را در جامعه شیوع می دهند .

به موجب تحقیقات ، یکی از کـارهای غلطی که آموزش و پـرورش انجـام می داد " طرح کاد " بوده است، زیرا بچه هایی که سرکار می رفتند تا چیزی یـاد بگیرند ، یا در تابســتان هر سال سرکار می رفتند ، فرهنگ واژه هـایی کـه یـاد می گرفتند در حد سن خودشان نبود ، بلکه بزرگتر از خود شـان بـود و بعـد از چند ماه که به مدرسه بر می گشـتند ، مـی توانسـتند اخلاقـاً بچـه هـایی را کـه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

کنارشان بودند ، فاسد کنند . به نظر من باید بیشترین نگرانی ما این مورد باشد . زیرا ما بسیاری از خانواده های تک سرپرست را می بینیم که وضعیت مالی بدی دارند، اما فرهنگ خیابانی شدن ندارند و بچه ها کاملاً سالم هستند . اما انحرافات اخلاقی یکی از نگرانی هایی است که در پی جدایی ، در خانواده پیدا می شود .

پرسش از خانم دکتر اعزازی

آقای دکتر رفیعی : شما فرمودید تبلیغ می شود که کودکان باید از بزرگسالان اطاعت کنند و این را یکی از عوامل خطر برای پدیدهٔ کودکان خیابانی و مشابه آن برشمردید . می خواهم بدانم بجز اولاً آیا در فرهنگ ها و جوامع دیگر این مسئله چگونه است و دوم این که ، به دنبال اظهارات رادیکال از سوی برخی روشنفکران ، عده ای از خانواده ها ، برخی از وظایف تربیتی شان را کنار گذاشته اند به امید این که بچه‌ها سرنوشت بهتری پیدا کنند .اما اخیراً من تحقیقی را مشاهده کردم که به مسئله اعتیاد مربوط می‌شود ، دولت فدرال آمریکا به یک موسسهٔ خصوصی واگذار کرده است و از سال ۱۹۹۵ ، ۵ سال است که سالانه این تحقیق مرتباً انجام می شود . در نهایت، نتیجه ای که گرفته این بوده که خانواده ها را به دو دسته تقسیم کرده است : ۱- Hands on Parents و ۲- Hands off Parents ، یعنی خانواده هایی که کاری به فرزندان خود ندارند و توجهی به آنان نمی کنند . مثلاً یکی از شاخص‌هایی را که بررسی کرده اند ،این است که چند بار در هفته در خانواده ، اعضای حالی که تلویزیون خاموش است ، در خانه با هم شام می خورند ؛ در نقطهٔ مقابل خانواده هایی قرار دارند که برخورد خیلی لیبرالی با بچه ها دارند و دیده‌اند که خانواده دسته دوم ، یک ریسک فاکتور (Risk factor) خیلی مهم برای اعتیاد فرزندان است .

مورد بعدی این است که شما فرمودید در خانواده هسته ای پدر سالار ، بر کار کردن بچه ها تاکید می شود و پسری را که برای مادر تنهایش کار

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

می کند مورد تشویق قرار می دهند، و این جزء عوامل زمینه ساز و بد است . به نظرم می رسد که این موضوع با مفهوم سرمایهٔ اجتماعی که دائماً در حال مطرح شدن است و محققان چپ و راست را به خود جذب کرده است ، منافات دارد فوکویاما در کتابش زوال خانواده را به فروپاشی بزرگ تعبیر می کند ، زیرا سبب می شود که سرمایهٔ اجتماعی ، علی رغم تمام خدمات اجتماعی که در جامعهٔ مدنی و از جانب دولت ارائه می شود ، رو به کاهش بگذارد .

دکتر اعزازی : ما در هر دوره ای ، شرایط زندگی خاص آن دوره را با تفکرات خاص همان دوره داریم . و اینها با هم انطباق دارند . یعنی عینیت و ذهنیت جامعه بر هم منطبق هستند . مثلاً وقتی جامعه کشاورزی است ، مردم نوع خاصی از درآمدها را از طریق کشاورزی کسب می کنند و تفکر و ایدئولوژی که وجود دارد ، منطبق با آن است .

دوستان به ارتباطات فراگیر جهانی اشاره کردند و در ضمن ، ایدئولوژی ها نیز باید مقداری تغییر کند . تفکری که ما راجع به جامعه و نهادهایش داریم ثابت نیست ، منتهی مسئله ای که پیش می آید و من نمی گویم محافظه کاری است ، این است که بسیاری مواقع ، ما فکر می کنیم آنچه که هست خوب است و هر تغییری را زوال و فروپاشی می دانیم . حدد ۲۰۰ سال است که بحث زوال خانواده مطرح شده است و دائماً تکرار می شود، یعنی همین خانواده ای که می گوییم اگر نابود شود، جامعه از بین می رود موقعی که داشت به وجود می آمد، می گفتند اگر خانوادهٔ هسته ای گسترده بشود ، جوامع از هم می پاشد . تاریخ نشان داد که پا بر جا ماند و جوامع نیز از هم نپاشیدند .

ما همیشه باید آمادهٔ انواع جدیدتر باشیم و جاهای دیگر را ببینیم ، منتهی اگر واقعاً می خواهیم خانواده پا بر جا بماند باید سعی کنیم موانع را از بین برده و الگوی مطلوب بدهیم .

در خانوادهٔ مطلوب امروز ، اطاعت اصلاً جایی ندارد ، پدر و مادر جدا از فرزندان نیستند . اما در قانون ما هنوز جدا از فرزندان هستند . در فرم آیده آل ،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

پدر و مادر نسبت به فرزندانشان مسئول هستند ، جدیـداً مطـرح مـی شـود کـه فرزندان هم باید مسئول باشند، یعنی هنگامی که به سن رشد رسیدند، آن ها هـم باید نسبت به پدر و مادر یک سری وظـایف را انجـام بدهنـد ، یعنـی وقتـی ۱۸ ساله شدند ، آن ها هم باید مسئول بر عهده بگیرند .

امروزه ما از خانواده های مشارکتی نام می بریم و تعریف سـازمانی خـانواده مشارکتی این بود که زن و شوهر با هم تصمیم می گیرند، اما امروز ایـن مفـهوم گسترش یافته است و می گویند تمام اعضای خانواده ، با توجه بـه سنشـان ، در مسائلی که به خودشان مربوط است باید اظهار نظر کنند . به عنـوان مثـال ، اگـر تصمیم دارید منزلتان را عوض کنید از فرزند کلاس اولتان هم بپرسـید کـه ایـن تغییر مدرسه روی وی اثر خواهد گذاشت یا خیر .

بدین صورت است که بحث اطاعت از بین می رود و هر فرد به اندازهٔ سـهم و توانائی خود ،در خانواده جای دارد، اما این نباید دلیل بر این موضوع باشد کـه خانواده وظایف تربیتی خود را کنار بگذارد . بر عکـس ، مـا مـی گوییـم کـه در خانوادهٔ پدر سالار، اصلاً مسئله تربیت اجرا نمی شود ، زیرا آن تربیتی که امروزه مورد نظر ماست، ویژگی اساسـیش محبـت و صمیمیـت در خـانواده اسـت کـه وظایف تربیتی را به وجود مـی آورد . در مـورد تحقیقـی کـه شـــما فرمودیـد، ریســـک فاکتور خانوادهٔ آزادی خواه بالاتر است، من اطلاعی ندارم ، ولـی در هر حال ممکن است دهها عامل دیگر نیز در آن موثر باشد .

دکتر رفیعی : پس من باید برداشتم از صحبت هـای شـما را اصـلاح کنـم . صحبت‌های شما به این معنا نیست که چون تحول اجتناب نـاپذیـر اسـت، بـاید تحول و زوال نهاد خانواده را نیز بپذیریم و آسیب هایی مثـل کـودک خیابـانی و کودک آزاری و غیره را نیز قبول کنیم . بلکه منظور شما و تاکید تان مشخصاً بـر روی خانواده مشارکتی است و این تائید زوال نیسـت . اگـر بخواهـم سـؤالم را واضح تر بپرسم ، این است که آیا به نظر شما قوام خانواده ، با همان تعبیری کـه شما آن را خانواده مشارکتی می نامید، در پیش گیری از آسـیب‌ها نقـش دارد یـا

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

خیر ؟

دکتر اعـــزازی : مـن مـی گویـم خـانواده در حـال گـذر و تغییـر اسـت و خانواده‌های تک سرپرست ، طلاق های بی شمار ، افراد مجرد و خـــانواده هـای بدون فرزندی که جدیداً به وجود آمده اند ، هر روز بیشتر مـــی شـود ؛ مثـلاً در تمام تعریف های ما، خانواده و فرزند با هم هستند، اما در حال حاضر می بینیـم زن و شوهر ازدواج می کند، اما نمی خواهند بچه دار شوند و درصدشان هـم در حال افزایش است . بنابراین خانواده تغییر می کند و شـکل نـهایی آن مشـخص نیست .

در شرایط فعلی باید نگاهمان به درون خانواده باشد و ببینیم چـه برخـوردی با فرزندان دارد . امروزه بسیاری از خانواده ها جـرم آفریـن هســـــــتند ، مگـر این که ما خانواده های مطلوب داشته باشیم . مثلاً در خانواده ای که پدر و مـادر معتاد دارد ، فقیر است و خشونت در آن مـــوج مـی زنـد ، موثـر بودنـش بـرای کودکان بســـیار جای تردید دارد . ما باید ســعی کنیم به حد خانوادهٔ مطلـوب برسیم که می تواند یکسری از معضلات را از بین ببرد .

تصویری که شـــــما از خانواده لیبرال ترسیم کردید، خـانواده ای اسـت کـه بچه هایش را در تصمیم گیری آزاد می گذارد، در نتیجه ، در بعضـی از جوامـع یکی از امکاناتی که هر فرد می تواند انتخاب کند ، اعتیاد است ، مـن نمـی دانـم خانوادهٔ آزادی خواهی که با هم شـــــام می خورند و صحبت هـــای خصوصـی می کنند ، فرزندان را ممکن است به طرف چه اعتیادی هدایت کنند ؟

یک نکته مهم که می خواهم عرض کنم این است که افراد اجرائی و کســانی که از دید دیگر نگاه می کنند باید باهم ارتباط برقرار کنند ، هر چند که نخواهنـد نظر دیگران را در کارشان پیاده کنند . مسئله نابرابری هایی که من مطرح کردم و موضوع نابرابری سنی ، ناگهان فراموش شد . من چند پدیـده را از گفتـار آقـای دکتر گرفتم ، یکی این که ما در ایران کودکان صیغه ای افغـانی داریـم کـه هیـچ جای دنیا ندارد. کمی زاویهٔ دید خود را تغییر دهیم و بپرسیم ، چرا این مسئله به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

وجود می آید ؟ زیرا در ایران کودک به خودی خود اصلاً مهم نیست، مهم پـدر کودک است که حتماً باید تابعیت ایرانی داشته باشد .

در اکثر کشورهای دنیا ، بچه در هر مکانی که به دنیا بیاید از حقـوق انسـانی برخوردار است و بچه های ایرانی به هر کشور دنیا که بروند، از آنها نمی پرسند. پدرت مهاجر یا پناهنده است و فوراً آنها را به مدرسه می فرستند . در ایران ، مـا بچه های خودمان را به دلیل این که پدرشان ایرانی نیست ، قبول نمـی کنیـم ، و این تفکری نابرابر است ، یعنی اینجا مرد اهمیـت پیـدا مـی کنـد و فرزنـد هیـچ اهمیتی ندارد . مورد دوم این که ، اگر پسر بچه به سرکار نرود . مادر بـه فحشـا کشیده می شود ، چرا این طور است ؟ زیرا ما ، در تفکر و قانون خـود ، مـرد را نان آور خانواده می دانیم . اینجاست که نوعـی نـابرابری اشـتغال را از ابتـدا بـه وجود آورده ایم . زن نیز با این تفکر بزرگ شده است که من نبـاید کـار کنـم ، مضافاً به این که برایش کار هم وجود ندارد . یعنی جامعه با نابرابری هایی که به وجود آورده است ، عده ای رابه سوی فحشا وعده ای دیگر را به سـوی کـودک خیابانی شـــدن سوق می دهد . راه حل های مقطعی زیادی وجود دارد که مـن آن ها را نمی دانم ، اما وقتی می خواهیم به مقولهٔ کودکان خیابانی بپردازیم بـاید نگاهمان به قوانین نیز باشد .

آقای دکتر رئیس دانا : زاویه دید مـن بـه مسـئله کودکـان خیابـانی ، دقیقـاً همانند دکتر حاج یوسفی است . به نظر من ، مشکل ساختاری است . دست کـم در این مورد، ریشهٔ اصلی فقر ، تبعیض و بیکاری است .

بنا به بررسی های من ، فقر ، بیکاری و تبعیـض در حاشـیه شـرقی کشـور و انتقال مواد مخدر ، سبب بیش از ۷۰ تا ۸۰ درصد اعتیاد در ایـران اسـت. ۱۰ تـا ۱۵ درصد معتادین هم ممکن است به خاطر لذت جوئـی و شـکم سـیری بـدان روی آورده باشند . اما در این مورد خـاص (کودکـان خیابـانی) مسـئلهٔ فقـر ، ناتوانی و نارسائی های مادی خانواده و بیکـاری ، عوامـل اصلـی هسـتند . البتـه درست است که آموزش تلویزیون دایر بر اینکه کودک ۱۲ ساله کـار مـی کنـد ،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

خلاف تعهد ما در کنوانسیون حقوق کودک است و ما که عضو آنجا هستیم نباید این چنین تبلیغ کنیم ، اما خود این تبلیغ نیز بیان کننده ی یک واقعیت اجتماعی است . یعنی رادیو و تلویزیون دولتی بدین ترتیب می خواهد از زیر مسئولیت ها شانه خالی کند و آن را به گردن خود بچه ها می اندازد . علی رغم این که کار کردن شرافت است و آموختن مسئولیت به فرزندان در خانواده ، شرافت است ، اما این موضوع ،با این مسئله که کودک ۱۲ ساله را طعمه گرگ های خیابانی کنیم ، فرق دارد ، زیرا حتی حاشیه نشین ها نیز تلویزیون دارند و این مسائل را به تدریج می آموزند و لزوماً ارزش های اخلاقی که برای طبقهٔ متوسط مرفه مطرح است ، برای لایه های پائینی ، به دلیل فقر مطرح نیست .

من بحثم را این گونه خلاصه می کنم که ، ما نمی توانیم همواره در این مخزن از یک سو کودکان خیابانی را جمع و درمان بکنیم ، هزینه بدهیم و بعد مسئولین بیایند مورد سوال نیزقرار بدهند و بگویند کارشان را خوب انجام نداده اند، از سوی دیگر بر داخل این مخزن بیفزاییم .

به این ترتیب حل مسئلهٔ کودکان خیابانی همان طور که دکتر حاج یوسفی فرمودند، در گرو حل مشکل فقر و بیکاری است و حل مسئلهٔ فقر و بیکاری در این سرزمین کار دشواری نیست . زیرا، کشور ما سرزمین ثروت های بی شمار است. با صراحت لهجه می گویم ، اگر پول هایی که در این دو سه روز اخیر اعتراف شد که به کسانی داده اند . این پول ها را کسانی که گرفته اند پس بدهند . بگذاریم این مسئله در کوتاه مدت حل شود و حل آن در بلند مدت نیز در گرو ، حل فقر است .

سرمایه نیز داریم ، اما در دست افراد خاصی است ، بنابراین به نظر بنده راه حل مشخص شد .

خانم دکتر خوشابی : بنده ضمن تایید سخنان دکتر رئیس دانا و دکتر اعزازی ، فکر می کنم علاوه بر مسئلهٔ فقر که بسیار اساسی نیز هست ،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

تبعیض‌های جنسیتی و حقوقی نیز مـورد مـهمی اسـت . مـا هنـوز در مملکتـی زندگی می کنیم که در آن ، سن مسولیت کیفری برای دختران نه سال است و بـا وجود همهٔ تلاش هایی که انجمن های دولتی و غیر دولتی در ایـن سـال هـا در زمینهٔ حقوق کودکان انجام داده اند ، هنوز پیشرفت چندانی حاصل نشده است .

در گردهم آیی اخیر که در رابطه با خشونت های خانگی در خدمـت قـاضی مظفری ـ رئیس دادگاه های اطفال ـ بودیم ، هنگامی که راجـع بـه بـزه صحبـت کردیم و این که در حال حاضر از مجازات های جـایگزین تـا آنجـا کـه ممکـن است برای کودکان استفاده کنند و نه حبـس و مجـازات زنـدان ، ایشـان تـائید کردند ولی گفتند ، هنوز جا نیفتاده است .

دیدگاه نسبت به کودکان مجرم ـ درصدی از کودکـان خیابـانی هـم بعـد هـا مجرم خواهند شد ـ همان دیدگاهی است که نسبت به مجرمان بزرگسال وجـود دارد و همان روش ها اعمال می شود . مگر این که برخی از قاضیان با توجه بـه دیدگاه های شخصی خود از مجازات های جایگزین برای این بچـه هـا اسـتفاده بکنند .

ما برای مسایل مختلف در کشورمان سن هـای مختلفـی داریـم ، مـانند سـن شروع به کار، سن گرفتن گواهی نامه ، سن گرفتن گذرنامه ، اما در سـن مجـرم شناختن کودکان هنوز مشکل داریم . علی رغم همه تـلاش هـایی کـه کردیـم ، برای دختر، ۹ سال تمام سن بلوغ محسوب مـی شـود و تنـها نتیجـه عملـی کـه توانستیم بگیریم این بود که بین قوه مقننه و قضائیـه رابطـه ای ایجـاد کردیـم و آقای دکتر میر محمد صادقی با خانم دکتر خاتمی آشنا شدند و قرار شد مشترکاً، تلاش هایی در مورد قانون مربوط به حمایت از حقوق کودکان داشته باشند .

بنابراین برای یافتن هر راهکاری در رابطه با کودکان خیابانی و مسائل مشـابه باید ابتدا مسائل حقوقی را در نظـر بگـیریم و از دیـدگـاه حقوقـی نـیز بـه ایـن مشکلات پرداخته شود.

آقای اکبر بخشی نیا : من دانشـــجوی کارشناسی ارشد مددکاری هسـتم .

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

گوشه ای از پایان نامه کارشناسی ارشدم به کودکان خیابانی ارتباط دارد و بیشتر روی نان خشکی ها یا کسانی که به عنوان نان خشکی معروف هستند، کار کرده ام . بیشتر اینها نیز افغانی بودند و من روی زندگی اینها تحقیق کردم . به محل زندگیشان رفتم و مدتی با آن هایی بودم که در تهران کار می کردند .

چیزهایی که در رابطه با کودکان خیابانی دیدم این است که حدود ۵۰ درصد اینها زیر ۱۸ سال بودند و به دسته های مختلف تقسیم می شوند : مجاز و غیر مجاز ، و با این که نامشان نان خشکی است ، بیشتر زباله جمع می کنند. نان خشک را از خانه ها می گیرند ،ولی زباله را از خیابان ها جمع می کنند. این زباله ها را مردم بیرون گذاشته اند ، یا زباله های کارگاه ها و کارخانه ها هستند و مراکزی وجود دارد که آن ها را به محل مزبور می برند .این کودکان سازماندهی دارند، یعنی گروه هایی با صاحب کار هستند که آن ها را با وانت به مناطق مختلف تهران می آورند و پیاده می کنند و بعد از کار نیز آنها راجمع می کنند . شهرداری هم امثال این گروه ها را به عنوان با دریافت دارد که بیشتر آنها هم افراد کم سن و سال هستند . افغانی نیز دارند ، اینها نیز زباله ها را جمع می کنند وبه عنوان نان خشک های مجاز شناخته شده اند و در ساعات رسمی کار می کنند ، یعنی صبح تا ساعت ۲ یا ۳ بعدازظهر ، ولی غیر مجازها که افغانی هستند و بیشتر کارت اقامت ندارند بعدازظهرها و شب ها در سطح شهر پراکنده اند و از نظر شهرداری نیز کارشان جرم است و زباله دزد نامیده می شوند . اگر ماموران باز یافت آن ها را بگیرند، چیزی را که جمع کرده اند و چرخشان را توقیف می‌کنند و کتکشان می زنند و رهایشان می کنند .

دکتر معتمدی : ما باید در کارهایمان از محققین استفاده کنیم ، هیئت علمی ما بسیار وسیع هستند، اصولاً تعریف بین متخصصین با هم متفاوت است . در مورد بحث کودکان خیابانی ، هر کس یک تعریفی از قضیه دارد و هیچ کدام از آن تعریف ها عملی نیست .

ما امسال بودجهٔ ۳۰ هزار فرصت شغلی را گرفتیم و در رابطه با مددجوها

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

می خواهیم کار کنیـــــم ، بالاخص مددجوهای آســیب پذیــر ، ولـی اینـها را نمی پذیرند . جامعهٔ ما زن آسیب دیده را بـــه کـار نمـی گـیرد و. مـا در دفـتر آسیب‌ها پول ۲۷۰۰ فرصت شـغلی را داریـم ، ولـی نمـی توانیـم اینـها را بکـار بگماریم . به هر کار گاهی که می رویم می گـــــویند مـــــا زن ویـژه را اینجـا نمی آوریم . اصولاً فرهنگ سازی در جامعهٔ ما هنوز جا نیفتاده است . در رابطـه با یقه سفیدهایی که دوستان فرمودند پشتیبانی یقه سفید هـا از کودکـان خیابـانی بسیار کم است . ۸۵ درصد کودکان خیابانی، تحت نظر پدر و مادرهستند و بـاید در فرهنگ خانواده تغییر ایجاد کنیم . تعداد کمی هم هستند کـه رئیـس دارنـد و یقه سفیدها دنبالشان هستند . اینک مراکز کودکان خیابانی زیاد نمی توانـد موثـر واقع بشود . به گفتهٔ کشیش زاویر که در این زمینه کـار مـی کنـد ، اینـها پرنـده هســـــتند و پرنده را نمی شود گرفت و در قفس کـرد . اینـها از خـانواده فـرار نمی کنند که آزاد باشند و در چارچوب خانه زندانی نشوند ، بعد هم شما آنها را در چارچوب دیگری قرار می دهید . به همین دلیل نیز طرح های جدید سـازمان بهزیستی مربوط بـه ایجـاد مراکـز کودکـان خیابـانی نیسـت . زیـرا مـا در تمـام کشـــــور امکانات داریم، اما مراکز ما خالی است . پـول داریـم ، بودجـه اش را می دهیم ، ولی کسی مراجعه نمی کند . مجموعه سازماندهی سال گذشته ما سـه هزار کودک خیابانی در کل کشور بوده است . امسال، خوشبختانه فعالیت بیشـتر شده و سازماندهی ، تا به حال در این ٦ ماهه به ســه هـزار نفـر رسـیده اسـت. امیدواریم فرهنگ ســازی شود . ما در حال ساختن پناهگاه هستیم . سعی داریم تمام مراکز شلوغ را پیدا کنیم ۲ اتاق در آنجا مـی زنیـم یـک مددکـار اجتمـاعی می‌گذاریم و شبی دو عدد سیب زمینی به آنها می دهیم تا بخورنـد . آب گـرم و حمام کوچکی نیز در اختیارشان می گذاریم تا شبها بیایند و بخوابند و صبح هـا بروند یعنی این خانه برای شبها است وحتی نصـف شـب نـیز بـاز اسـت . اگـر بخواهید می توانید بروید، اما بیائید و درکنار ما باشید وشبها در خیابـان نمـانید . و سپس کار مددکاری دراز مدت هم رویشان انجام مـی دهیـم. ایـن قـابل درک

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

نیست حتماً کنترل شوند تائید۱۰ جامعه شناس ، روان شناس و متخصص علـوم اجتماعی و روان پزشک را به همراه دارد ، مشکل ما سیستمیک نیز هسـت . بـه دلیل این که کارشناس های سازمان مدیریت و برنامه ریزی کاری نمـی کننـد . در سی سال گذشته نیز کاری نکرده اند . حتی دوسـتانی که استعفا داده انـد، غیر از دکتر حاج یوسفی، زمانی که سرکار بودند چه کـاری کردنـد . کشـور مـا همیشه مشکل سیستمی خود را دارد، طبق فرمایش دکتر رفیعـی حتـی سیسـتم خانواده مشکل دارد . آقای دکتر سهامی که متخصص سیسـتم خـانواده هسـتند، معتقدند که بچه نباید رئیس باشد ، مشارکت داشته باشد ، ولـی رئیـس نباشـد و در حد تجربیات مشارکت کند. رئیس پدر و مادر هستند . در رابطه با بحث تمام شماری ، ما سعی کردیم فاکتورهای زیادی مانند تحصیلات و شـغل خـانواده را در آن بیاوریم، هدف ، صرفاً شمارش افراد نیست .

دکتر شریفیان : از دوستانی که تشریف آوردند تشکر می کنم . هـدف آگـاه سازی در زمینهٔ پدیده کودکان خیابانی بود که یـک مشـکل اجتمـاعی محسـوب می‌شود و در نتیجه حساس سازی جامعه نسبت به این مسئله. از اسـاتید گرامـی خواهش کردیم که در مورد تعریـف کودکـان خیابـانی بحـث کننـد و در ابتـدا اینجانب آخرین دسته بندی های انجام شده توسط مجامع بین المللـی را عـرض کردم . این کودکان ، به طور کلی کودکان خیابانی Street children کودکـانی که در خیابـان هـا زنـدگـی مـی کننـد Children on streets ، بچـه هـای خیـابـــان Children of streets و یـــا کودکـــان در معـــرض خطـــر Chlidren at risks را شامل می شود که ابتدای جلسه تعریف هر کـدام را نـیز عرض کردم . یکـی از اهدا ف ما این بود که ببینیـم در ایـن جمـع کارشناسـی، دوستان به چه توافقی در این زمینه خواهند رسید. به اعتقاد من پدیده ای کـه در جامعهٔ ما وجود دارد، عمدتاً کودکانی هستند که در خیابان زندگی مـی کننـد ، و آن تعدادی که در واقع کودکـان خیابـان هسـتند و بطـور جـدی تـر بـا مسـائل آســـیب و انحرافات مواجه می شوند ، کودکانی هستند که کاملاً با خـانواده

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

قطع رابطه کرده اند و تعدادشان کم است . دکتر فروزان نیز براساس نتایج تحقیقات در زاهدان، مطرح کردند که حدود نود درصد کودکان ، شبها به خانه باز می گردند . دکتر معتمدی هم اشاره کردند که پنج درصد کودکان کلاً با خانواده قطع رابطه کرده اند و تمام زندگیشان در خیابان ها می گذرد و بعد ها نیز ممکن است به گروه مجرمین بپیوندند. این آمار در سطح جهانی هم به همین ترتیب است، یعنی عمدتاً تعدادی از بچه ها که در خیابان کار و زندگی می کنند کمتر کلاً رابطه خود را با خانواده قطع کرده اند ، بنابراین دوستان در این مورد به یک توافق نسبی رسیدند، ضمناً اگر قرار است تمام شماری صورت بگیرد ، اولین کار این است که مشخص کنیم چه چیز را می خواهیم تمام شماری کنیم . مشکل ما در حوزهٔ تعریف نیست ، زیرا در حال حاضر آن را به چهار گروه تقسیم بندی کردیم . باید که با توجه به تجاربی که داریم انتخاب کنیم که می خواهیم راجع به کدام دسته کار کنیم .

به اعتقاد بنده بحث های دیگر چند بعد داشت . یکی بحثهایی بود که در سطح کلان مطرح شد . دوستان به ریشه کَن کردن این مشکل اجتماعی از اساس و بنیان توجه کردند. دکتر حاج یوسفی ، دکتر رئیس دانا و دوستان دیگر، این نظر را داشتند که باید کار ساختاری انجام بدهیم . به این نکته اشاره می کنم که در مطالعاتی که داشتم ، تحقیقی از طرف شبکه های اروپایی راجع به کودکان خیابانی صورت گرفته است مسئلهٔ برخورد با کودکان خیابانی را بر اساس سه رهیافت مختلف طبقه بندی می کند. یکی از آنها رهیافت حمایتی است، دیگری سرکوب گرا و آخرین رهیافت مبتنی برحقوق بشر است. بنابراین مهم این است که ما می خواهیم کدام یک را برای برخورد با کودکان خیابانی انتخاب کنیم ، چون هر کدام از آنها را که در نظر بگیریم، پیامدهای مخصوص به خود و خط مشی های متفاوتی دارد و از این رو، برنامه‌های متفاوتی نیز خواهد داشت . ضمناً به اهمیت مسئله سیاست گذاری و اینکه ما چه دیدگاهی را باید انتخاب کنیم ، نیز اشاره شد .

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

سپس استادان محترم به مسئلهٔ فقر اشاره فرمودنـد . در تحقیقـانی کـه انجـام شده ، یکی از ویژگی های خاصی که برای کودکان خیابانی در نظر مـی گـیرند فقر آنها است . در کنفرانس جهانی در آمستردام مطرح شـد کـه ایـن بچـه هـا، معمولاً از خانواده های فقیر هستند، البته درآنجا اشاره شـد علـی رغـم ایـن کـه پاکستان کشور فقیری است اما تعداد کودکان خیابانی آن بسیار کم است . و ایـن کودکان نیز از خانواده هایی هستند که بـه دلایـل اقتصـادی، از روسـتا بـه شـهر مهاجرت کرده انـد . در دهـهٔ ۱۹۸۰ هفـت میلیـون کـودک در شـهرهای برزیـل زندگی می‌کردند . من در ادامه سخنان دکتر حاج یوسفی و دکتر رئیس دانـا ایـن نتیجه را می گیرم که در شرایط فقر، هر کودکی یک کودک خیابانی بالقوه است.

صحبت های خانم دکتر اعزازی نیز بر بحث نابرابری و تبعیـض مبتنـی بـود که، باز به این بحث بر می گردد که این کودکان در یـک خـانواده خشـنود و راحت زندگی نمی کنند. مثلاً ، یا خانواده از یکدیگر جدا شده اند و یا کودکـان مورد تجاوز قرار گرفته اند . البته یک طبقـه بنـدی دیگـر تحـت عنـوان کـودک آزاری داریم که خانم دکتر اعزازی بحث خود را در مورد ناخشنودی از خـانواده از این جا شروع کردند و خانم دکتر فروزان هم اشاره کردند که باید خـانواده را تقویت کنیم . توجه به کانون خانواده بسیار جای بحث دارد که در فرصت هـای بعدی به آن می پردازیم .

اگر طبقه بندی های متفاوتی را برای کودکان خیابانی بپذیریم ، نیازهای ایـن طبقات نیز متفاوت است. باز بر اساس همان رهیافت هـا ، مـی خواهیـم از آنـها حمایت کنیم ، از حقوقشان دفاع کنیم یا سرکوبشان کنیم . آقای دکـتر معتمـدی فرمودند که ما به این کودکان به عنوان آسیب دیده نگاه نمی کنیم .مـن مخـالفت یا موافقتی نمی کنم ، اما تاکید می کنم که این بچه ها آسیب پذیر هستند . همـان بحثی که خانم دکتر طالقانی فرمودند . اینها به شدت آسـیب پذیر هستند وبـه یک مقطع که می رسند، آسیب پذیری را اشاعه نیز می دهنـد و بـه گـروه هـای دیگر منتقل می کنند .

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

آقای حافظی فر بحث کلان را مطرح کردند . بحث سازمان های غیر دولتی، البته من سؤالم این بود که در حال حاضر ، چند سازمان غیر دولتی در کشور روی مسائل کودکان خیابانی کار می کنند . اینجا ما می بینیم که آمار و ارقام و اطلاعات مبتنی بر تحقیقات ، بسیار ناچیز است و تا به حال فرصتی پیش نیامده بود تا بدانیم که مثلاً در زاهدان ، وزارت کشور یا در دفتر کل آسیب های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور چه کارهایی انجام شده است .

خانم دکتر خوشابی نیز به مسئلهٔ تبعیض های جنسیتی و حقوقی اشاره کردند. مطالعه ای در مورد مادهٔ ۲۰ کنوانسیون حقوق کودک انجام گرفته که به مسئلهٔ کودکان خیابانی و حقوقشان می پردازد.

می بینیم که اگر بخواهیم برخورد ساختاری داشته باشیم ، چون دو رهیافت اول مبتنی بر عمل فردی هستند و بحث مبتنی بر حقوق بشر نگرشی ساختاری است، باید تمام مسائل را ببینیم . علی رغم این که مقتضیات کشور ما محدودیتهایی دارد ، باید راه حل ها و راهکارهای دیگری بیابیم . هیچ توجیهی برای نادیده گرفتن بحث تبعیض سنی و جنسیتی نمی توانیم پیدا کنیم . مبحث دیگری را اضافه نمی کنم، همه صحبت ها به اندازهٔ کافی گویا بودند. در مورد بحث تبعیض های جنسیتی که دکتر خوشابی فرمودند، خوشبختانه تعداد کودکان خیابانی دختر در تمام دنیا ،بسیار کمتر از کودکان خیابانی پسر است، البته آسیب پذیری دختران نیز به مراتب بیشتر از پسران است .

در بحث راهکارها ، به نکات دقیقی اشاره کردند و من فکر می کنم در جلسهٔ دیگری باید راجع به این موضوع بیشتر صحبت کرد که واقعاً راهکار درست برای جامعهٔ ما چیست ؟ آیا می خواهیم آنچه را که وضع موجود است حفظ کنیم ؟ اصلاحی در آن ایجاد کنیم ، یا باید به یکباره طرحی نو برای حل مشکلات اجتماعیمان در اندازیم . سازمان های بین المللی طی سال های اخیر بر این نکته تاکید داشته اند که شرایط اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی جامعه تان را بررسی کنید و بعد ، راهکار پیدا کنید ، هیچ کس نمی گوید که صددرصد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]

الگو بردارید .

تعداد بسیار زیادی کار تحقیقی در دو کنفرانس سال ۱۹۹۶ و ۲۰۰۰ میلادی صورت گرفته است . مثلاً از کودکان خیابانی چه تعداد حامل ویروس HIV هستند ، چه تعداد دختر و چه تعداد پسر هستند ، چه تعداد شب ها به خانه باز می گردند ، همه این بحث ها انجام شده است و مقالات آن موجود است . هر کس می تواند در هر زمینه ای که علاقه مند است ، کار کند . در پایان ، امیدوارم بتوانیم با این آگاهی که پیدا کردیم ، باز هم تلاشمان را برای پرداختن به این مشکل اجتماعی ادامه بدهیم ، این کودکان را به درستی بشناسیم، از حقوق آنان حمایت کنیم و در جهت حرکت به سوی یک زندگی سالم ، به آن ها اقتدار و توانمندی ببخشیم .

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-20]